

روش‌های تربیت جنسیتی کودکان با تأکید بر نقش خانواده در آموزه‌های اسلامی

فاطمه شیرچی^۱

چکیده

در آموزه‌های اسلامی با توجه به ساختار جسمی و ویژگی‌های روان‌شناختی خاص دختران و پسران، روش‌های تربیتی متفاوتی مورد تأکید قرار گرفته است. از تأثیرات بسیار مهم روش‌های متمایز تربیت جنسیتی می‌توان به پرورش صفات جنسیتی، به رسمیت شناختن صفات متمایز دختر و پسر، مسئولیت و موقعیت متمایز آنان در خانه و اجتماع اشاره کرد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی روش‌های تربیت جنسیتی با تأکید بر نقش خانواده و با روش اسنادی از نوع توصیفی-تحلیلی در آموزه‌های اسلامی است. بر اساس نتایج پژوهش، مهم‌ترین روش‌های مورد توجه اسلام در تعامل والدین با فرزندان، با توجه به ابعاد وجودی انسان و در زمینه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری قابل تبیین است. روش‌های ساحت بینشی عبارتند از اعطای بینش، پرسش و پاسخ، نقل داستان و ساحت گرایشی شامل روش‌های الگودهی و تکریم می‌شود. در بُعد کنشی و رفتاری نیز روش‌هایی همچون مسئولیت دادن و بازی کردن در جهت تربیت جنسیتی فرزندان مورد نظر قرار گرفته است. واژگان کلیدی: جنسیت، روش‌های تربیت جنسیتی، ارتباط و تعامل والدین با فرزندان

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی، حوزه علمیه جامعه الزهراء علیها السلام و دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی،
جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، قم. ایران. r.shirchi206@gmail.com

مقدمه

تربیت اسلامی تنها در الگوواره اسلامی و با متناسب سازی محتوا، ساختار، روش و نیروی انسانی امکان پذیر است. این امر منوط به تلاش کارشناسان تربیتی و دینی در این راستاست. یکی از مسائل مورد تأکید آموزه های دینی با توجه به ساختار جسمی و ویژگی های روان شناختی خاص دختران و پسران (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۰۹)، توجه بر جنبه های متمایز تربیت دختران و پسران از جمله به رسمیت شناختن صفات متمایز دختر و پسر و مسئولیت و موقعیت متمایز آنان در خانه و اجتماع است. از این رو برای تحقق اهداف و آموزه های تربیتی دین اسلام در این زمینه، باید به روش هایی برای تربیت دو جنس دست یافت که با محتوا و جهت گیری های فرهنگ اسلامی هماهنگ باشد. البته تفاوت روش های تربیتی دختران و پسران به دلیل تمایزات ذکر شده، احتمال بالایی دارد (زیبایی نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳).

یکی از تأثیرات بسیار مهم روش های متمایز تربیت جنسیتی، پرورش صفات جنسیتی است؛ چنانکه به گفته نویسنده کتاب زن بودن وقتی زن زنانگی را در روح خویش می یابد، به مراتب بیشتر راضی می شود، احساس متفاوتی نسبت به خود و مردان و نسبت به جهان پیدا می کند و پس از بازیافتن توانایی های محبت آمیز و احساس زنانه، شروع به شیفته کردن مردانی می نماید که او را به چشم یک زن و نه یک مرد می نگرند. این رفتار نیز موجب می شود این مردان نیز از نظر خلق و خو، مرد صفت تر، حمایت کننده تر و باثبات تر باشند (گرت^۱، ۱۳۹۶، ص ۸۱). گراگلیا^۲ نیز در کتاب آرامش در خانه، معتقد است مردی که نسبت به مرد بودن خویش امنیت داشته باشد؛ ارزش والایی برای نقش خانگی زنان در نظر می گیرد و خود را موظف می داند که این نقش را مانا کند. (گراگلیا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۸) شخصیت خنثی و سست مردان باید اصلاح شود تا آنان بتوانند با روحیه ای شاد ازدواج کنند. مردی که نسبت به مرد بودن خویش احساس امنیت کند، معمولاً خود را مناسب نقش زنانه نمی داند؛ ولی به زنی که نقش زنانه خود را بپذیرد، احترام می گذارد و از تأمین هزینه های زندگی او و فرزندان خود احساس غرور می کند. بنابراین اگر سخن این نویسنده را بپذیریم و نظام تربیت رسمی را

1. Grant

2. Graglia

در برابر پرورش درست صفات زنانه و مردانه مسئول بدانیم، روش‌های متمایزی برای پرورش این صفات در پیش خواهیم گرفت.

پرورش صحیح صفات جنسیتی با نگاهی معطوف به خانواده می‌تواند به استواری و پویایی روابط خانوادگی بینجامد و از به کار بستن روش تربیتی مناسبی که بر این آموزه‌ها بنا شده باشد، بهترین روش برای تربیت افرادی است که بتوانند خانواده اسلامی را بنیان دهند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۴۶)؛ زیرا تأثیر خانواده به عنوان نخستین و مؤثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان، امری بدیهی و مشخص است. انتقال آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و مذهبی، اجتماعی کردن و ساختن هویت اجتماعی فرد از طریق این نهاد صورت می‌گیرد (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۴۰۱، ص ۱۱۷۳). محیط و شرایط خانواده یک عامل مثبت و مهیاکننده زمینه‌های رشد و یا یک عامل مخلّ و بازدارنده در جریان رشد کودک است. بنابراین نظام تربیتی و یا به تعبیر دیگر الگوهای تعاملی خانواده، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت کودک است (کميجانی و ماهر، ۱۳۸۶)؛ به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از شکل‌گیری شخصیت، تبلور رفتارهای اجتماعی، تعاملات بین فردی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها، حاصل چگونگی بازخوردها، بینش‌ها و تجارب آنان در روابط خانوادگی است (افروز، ۱۳۸۰، ص ۶۸). پیام‌هایی که کودکان به مرور زمان از افراد مهم زندگی‌شان درباره خود دریافت می‌کنند، برای شکل‌گیری و رشد هویت جنسیتی آن‌ها بسیار مهم است. در این تعاملات و روابط خانوادگی، والدین از مهم‌ترین و اساسی‌ترین افراد در تکوّن و رشد هویت فرزندان به شمار می‌آیند (فقیهی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۵). چگونگی تأثیر روش‌های تربیت در پرورش صفات جنسیتی فرزندان را می‌توان در تعامل و ارتباط والدین با فرزندان بررسی کرد.

تعامل و ارتباط والدین با فرزندان و نقش آن در تربیت جنسیتی فرزند

خانواده، تشکلی طبیعی است که الگوهای گوناگون مرادده و ارتباط را در گذر زمان به خدمت می‌گیرد. این الگوها ساخت خانواده را شکل می‌دهند و ضمن تعیین نقش اعضای خانواده، حیطة رفتار هر یک از اعضا را مشخص و تبادل نظر میان آن‌ها را تسهیل

می‌کنند (مینوچین و فیشمن^۱، ۱۴۰۱، ص ۱۵۸). روابط بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند (ماسن^۲، ۱۴۰۰، ص ۱۷۲). علقه‌های خانوادگی از مهم‌ترین پیوندها در حیات انسان است. این روابط به خصوص در ادیان مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا در ابتدا حیات مادی، معنوی و عاطفی فرزند در درون خانواده شکل می‌گیرد (منسکی^۳ و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۵). در این میان نحوه ارتباط والدین با فرزندان، قوی‌ترین عامل مؤثر بر الگوی تعاملی خانواده به شمار می‌آید؛ به ویژه در دوره‌هایی از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می‌شود (سندی، ۱۳۸۹). مطالعه رابطه والدین و کودک و یا به تعبیری سبک‌ها و روش‌های فرزندپروری، یکی از بحث‌های مهم روان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. سبک فرزندپروری، مجموعه‌ای از رفتارهای تعیین‌کننده ارتباط متقابل والد - فرزند در موقعیت‌های متفاوت و گسترده است که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می‌شود (امیری، خدابخشی و پیرانی، ۱۳۹۵). با توجه به نقش کلیدی والدین در رشد شخصیت مطلوب جنسیتی با محوریت فرهنگ ناب دینی، این الگو را می‌توان در ابعاد مختلفی توضیح داد.

روش‌ها و شیوه‌های تربیت جنسیتی در خانواده

منظور از روش‌ها، رفتارها و فعالیت‌هایی است که مربی برای هدفی خاص و برای تأثیرگذاری بر فراگیران انجام می‌دهد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۵). در آیات و روایات برای این مهم، به مواردی اشاره شده است که با ظرافت‌های ویژه‌ای همراه است. از این رو نمی‌توان از هر وسیله‌ای برای پرورش کودکان و نوجوانان استفاده کرد؛ بلکه بر اساس ظرفیت‌های موجود باید از روش‌های مناسبی بهره گرفت؛ چنانکه امام علی علیه السلام درباره اهمیت انتخاب روش تربیتی صحیح در شکل‌گیری شخصیت دینی فرموده است: «آگاه باش هر عملی رویشی دارد و هر نبات و روییدنی از آن بی‌نیاز نمی‌تواند باشد. آب‌ها گوناگون و مختلف هستند. آنچه آبیاری‌اش پاکیزه باشد، غرس و نشای آن پاکیزه و میوه‌اش شیرین است و

1. Minuchin & Fishman

2. Mussen

3. Menski

آنچه آبیاری‌اش ناپاک است، درختان آن ناپاک و میوه‌اش تلخ خواهد بود»^۱ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۱۷۹).

از آنجا که هر مرحله از رشد مقتضی رفتاری خاص از سوی والدین و برآوردن نیازها و انجام مراقبت‌های ویژه‌ای است، والدین باید از طریق آشنایی با ویژگی‌ها و مراحل رشد کودک و نوجوان (خیاط، ۱۳۸۶) و با به‌کارگیری روش‌های مناسب در هر مرحله زندگی فرزندان، رابطه‌ای متناسب با آن سن برقرار کنند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ص ۸۷). در واقع بر خلاف دوره کودکی که فرزند نوعی تقلید و تبعیت از خود آگاهانه و هماهنگ پدر و مادر نشان می‌دهد و خود را وابسته به والدین و هویت خود را در آن‌ها می‌بیند (متقی‌فر، ۱۳۸۳)، با آغاز دوره نوجوانی و ایجاد تغییرات و تحولات بسیار در تمام ابعاد وجودی، دیگر به راحتی مسائل را از بزرگسالان نمی‌پذیرد و حتی آنچه را که تاکنون پذیرفته بود، زیر سؤال می‌برد (لطف‌آبادی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۱). بنابراین والدین باید سعی کنند برای تعامل مطلوب با فرزندان و نیز فراهم کردن زمینه برای رشد بیشتر آن‌ها، شناخت و آگاهی کافی از ویژگی‌های دوران رشد کودکی و نوجوانی کسب کنند و از طریق به‌کارگیری روش‌های متناسب با آن، فرایند رشد را در تسهیل سازند. بنابراین مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند تربیت جنسیتی، تعیین و تشخیص روش‌های تربیتی و به‌کارگیری صحیح و مناسب آن به‌ویژه در کودکان و نوجوانان است. اگرچه در پژوهش حاضر تلاش شد از روش‌های مشترک دو دوره سنی استفاده شود، اما از نظر محتوایی توجه به تفاوت‌های این دو دوره مختلف حائز اهمیت است. همچنین از آنجا که شاکله انسان از سه ساحت بینشی، گرایشی و کنشی نشأت می‌گیرد، این سه عنصر در شکل‌گیری شخصیت هر فرد نقش اساسی دارد و مربی باید بر همین اساس عمل تربیت جنسیتی را اجرا کند (احسانی، ۱۳۷۸). بنابراین در اتخاذ روش‌ها باید از روش‌هایی بهره برد که ابعاد فوق را تحت پوشش قرار دهد. حال باید دید والدین با چه روش‌هایی می‌توانند در این ابعاد سه‌گانه نقش جنسیتی را در کودک و نوجوان نهادینه کنند.

۱. «عَلِمَ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَ كُلُّ نَبَاتٍ لَا غَنَى بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَ الْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا طَابَ سَقِيُّهُ طَابَ عَرْشُهُ وَ حَلَّتْ عَمْرَتُهُ وَ مَا حَبَّتْ سَقِيُّهُ حَبَّتْ عَرْشُهُ وَ أَمَرَتْ عَمْرَتُهُ».

۱. روش‌های بینشی

مراد از روش‌های بینشی، پرورش ابعادی است که با معرفت و بینش انسان سر و کار دارد و هدف آن، تقویت بینش و معرفت در متربی است (مصباح یزدی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۳۳۰). شناخت صحیح، مقدمه عمل و به دست آوردن زندگی سعادت‌مند است (پورکریم هاشمی و نادریگدیلو، ۱۳۹۲). بنابراین اگر متولیان امر و والدین قصد داشته باشند که متربی رفتاری را انجام دهد، ابتدا باید بینش او را تقویت و بصیرت لازم به او اعطا کنند و سپس میل، احساسات و عواطفش را نسبت به آن رفتار برانگیزند و به او کمک کنند تا با استفاده از توانمندی‌هایش رفتار مورد نظر را انجام دهد (مصباح یزدی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۳۶۱). با توجه به امور فوق در این نوشتار برخی از روش‌های تربیت جنسیتی در ساحت بینشی به طور اختصار بیان می‌شود.

۱-۱. اعطای بینش

یکی از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی، تأکید بر معرفت و تفکر و شناخت است (عیوضی، ۱۳۸۰)؛ چنانکه خداوند در آیه ۱۰۸ سوره یوسف می‌فرماید: «بگو این راه من است. من و پیروانم و با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم»^۱. روایات بسیاری نیز فهم و آگاهی را مبنای آموزش پایدار و سودمند معرفی می‌کنند؛ چنانکه در روایتی آمده است: «بدانید دانشی که بر اساس اندیشه و آگاهی فراگرفته نشود، خیری ندارد و یادگیری که در آن تدبر نباشد، خیری نیست»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳). مراد از بینش نیز بصیرت، بینایی (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۲)، درک قلب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴) و بینایی دل (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۵) است.

از طریق روش اعطای بینش برای تحول باطنی متربی استفاده می‌شود؛ زیرا والدین می‌کوشند با ایجاد تغییر در نگرش فرزندان نسبت به امور، نحوه نگرش او را عوض کنند و با این کار، رفتار و اعمال آنان را تغییر دهند (باقری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۸۲). بنابراین مهم‌ترین

۱. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

۲. «أَلَا خَيْرٌ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُمٌ أَلَا خَيْرٌ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدْبِيرٌ».

موضوع در پرورش و تکامل شخصیت کودک و نوجوان، شکل‌گیری و تقویت پایه و اساس فکری اوست که این مهم در سایه شناخت و بینش به دست می‌آید. در ایجاد شناخت باید نکاتی را مورد توجه قرار داد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- آگاهی و دانسته‌های فرزندان درباره مسائل مربوط به ویژگی‌های جنسیتی از سنین کودکی و متناسب با مراحل رشد انجام شود. در بیان صفات، ویژگی‌ها، نقش‌ها و فلسفه تفاوت‌ها برای فرزندان می‌توان از منابع روایی و علمی استفاده کرد (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۴)؛

- در زمان بیان تفاوت‌های دختر و پسر برای فرزند، باید بر رعایت حقوق هر یک و نقش‌های مساوی آنان در انجام کارها و وظایف روزانه تأکید کرد. برای مثال تشویق دختر از سوی والدین برای تمرین کار در خانه، رسیدگی به زندگی و سر و سامان دادن کارهای منزل همچون پخت‌وپز، نگهداری فرزندان و... (همان، ص ۵۴۸)؛
- داشتن فضایی باز و راحت در خانواده برای در میان گذاشتن مسائل و مشکلات گوناگون مربوط به جنسیت، فرزندان را از انحرافات و بزهکاری‌های گوناگون باز می‌دارد (همان، ص ۴۰۵)؛

- هنگام خرید مانند خرید لباس، کفش و... می‌توان از نظرات فرزندان استفاده کرد؛
- راهنمایی کردن فرزند هنگام بلوغ جسمی توسط والد همجنس موجب می‌شود او راحت‌تر از مسائلی آگاه شود (همان، ص ۴۰۲)؛

- هدایت و تربیت اندیشه‌ها و استعداد‌های خاص فرزندان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی، شکل‌دهی به افکار و عقاید ایشان و جبران کمبودها، زمینه رشد و پرورش را در ایشان فراهم می‌کند (همان، ص ۵۴۸). برای مثال برخی بر این باورند که عقل دختران، عقل محافظت‌کننده از دانش بشری است؛ در حالی که پسران تمایل به نقد، تحلیل، تخریب و نوآوری دارند (بیضون، ۱۴۱۷، ص ۴۵ - ۴۲). با توجه به این دیدگاه می‌توان چنین نتیجه گرفت که روش آموزش پسران و دختران تا اندازه‌ای متمایز و انتظارات ما از آنان و استانداردهای پیشرفت تحصیلی آنان هم متفاوت است. با

روش‌های آزمودنی بنا شده بر محفوظات، کمتر می‌توان پیشرفت علمی پسران را اندازه گرفت. همچنین با توجه به اینکه پسران درک کلی و نظام‌سازی و تفکر انتزاعی بهتری دارند و تصاویر سه بعدی را بهتر تجسم می‌کنند (بنجامین^۱، ۱۳۷۹، ص ۵۰)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در روش آموزشی دختران، استفاده بیشتر از مثال و تصویر در یادگیری آنان مؤثر است؛ از این رو بهتر است درس‌هایی همچون فلسفه و منطق را با روش‌های متفاوت به دختران و پسران بیاموزیم. احساسات سرشار زنانه - که به گفته کارشناسان در تحلیل مسائل هم ناخودآگاه دخالت می‌کند - و تأثیرپذیری بیشتر دختران از عوامل ایجادکننده فشار روانی (روزنتال^۲، ۱۳۹۱، ص ۴۵)، می‌تواند این پیام را داشته باشد که در القای برخی مباحث علمی به دختران باید از روش‌هایی که حساسیت منفی آنان را تحریک می‌کند؛ کمتر استفاده کرد.

بنا بر تأکید بعضی روایات والدین باید پیش از تهاجم آموزه‌های باطل، نسبت به علم‌آموزی، بصیرت‌افزایی و رشد فکری فرزندان اهتمام داشته باشند^۳ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۳۱). بنابراین والدین باید با استفاده از نظریات و راهنمایی‌های مشاوران و افراد با تجربه، مطالعه کتب و مجلات مناسب، شرکت در کلاس‌های آموزشی، آگاهی‌های لازم را درباره ویژگی‌های دختران و پسران به دست آورند (خیاط، ۱۳۸۶) و به نوجوان کمک کنند تا توانایی، استعداد، علاقه و حتی ضعف‌های خود را بشناسد و درباره خود اطلاعاتی به دست آورد؛ چنانکه پیامبر ﷺ فرموده است: «کسی که خود را شناخت، در واقع خدایش را هم شناخت»^۴ (منسوب به جعفر بن محمد رضی الله عنه، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳).

۲-۱. روش پرسش و پاسخ

شیوه پرسش و پاسخ، یکی دیگر از شیوه‌ها در ساحت بینشی است که با پرسش‌ها و سؤالاتی که از مخاطب پرسیده می‌شود و او را به تفکر و اندیشه بر می‌انگیزد، نیروی معرفت

1. Benjamin

2. Rosenthal

۳. «بَادِرُوا أَعْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ».

۴. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ».

او پرورش می‌دهد، به شرکت در بحث و فعالیت‌های آموزشی و در نتیجه به یادگیری مؤثر تشویق می‌کند و موجب کسب شناخت می‌شود (شعبانی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۴). پرسش و پاسخ با تفکر و تعقل مخاطب همراه است و معرفت و اطلاعاتی که از این طریق کسب می‌شود، ماندگارتر است. قرآن کریم در راه پرورش نیروی معرفت و تفکر، برای کامل شدن شناخت افراد و رسیدن به عبودیت از این روش استفاده کرده است (کیبیری و معلمی، ۱۳۸۸، ص ۸۳). افزون بر تعالیم وحی، در سیره آموزشی معصومین علیهم‌السلام نیز تشویق و ترغیب مخاطبان به سؤال بسیار به چشم می‌خورد؛ چنانکه در روایتی آمده است: «علم، گنجینه‌هاست و کلید آن، پرسش است. بپرسید تا خدا بر شما رحمت آرد که خدا در کار علم چهار کس را پاداش می‌دهد: پرسنده و آموزگار و شنونده و کسی که دوستدار ایشان است»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۸۱).

پدر و مادر با استفاده از روش پرسش و پاسخ، قوه تفکر متربی را بر می‌انگیزند. والدین با طرح پرسش‌هایی در زمینه ویژگی‌ها و نقش‌های جنسیتی، ذهن آن‌ها را برای یافتن پاسخ مناسب به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و انتخاب بهترین آن‌ها و می‌دارند. بدین‌سان متربی با شنیدن سؤالات و پرسش‌ها تشویق می‌شود تا به واسطه اندیشه‌ورزی و تعقل، به مفاهیم جدید دست یابد، اطلاعات جدید کسب نماید و از پاسخ‌سایرین نیز استفاده کند. والدین با استفاده از این روش می‌توانند به شبهه‌ها و پرسش‌هایی که در ذهن کودک و نوجوان شکل می‌گیرد، توجه کنند و پاسخ‌های مناسبی را با توجه به سطح علمی و شناختی او ارائه دهند (بخشنده‌بالی، ۱۳۸۵، ص ۴۷).

پذیرش تمایز هویت جنسی دختران و پسران و حساسیت‌های متفاوت آنان، زمینه‌ساز پذیرش این موضوع است که شبهات و پرسش‌های متفاوتی که به‌ویژه از مقطع بلوغ در ذهن آنان نقش می‌بندد، اثرگذار است. اگر بپذیریم پسران و دختران نگرش‌های متمایزی به موضوعات دارند و دختران پراحساس‌تر و پسران منطقی‌ترند یا به تعبیر «گیلیگان»، پسران بر اساس اخلاق عدالت و دختران بر اساس اخلاق مراقبت به تحلیل مسائل می‌پردازند، باید الگوی متفاوت در طرح مباحث اعتقادی و پاسخگویی به شبهات و پرسش‌های دختران و پسران را نیز بپذیریم. برای مثال در پاسخ به پرسش‌های پسران تأکید بیشتری بر

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهَا السُّؤَالُ فَأَسْأَلُوا رَجُلَكُمْ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُسْتَكَلِمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُجِبِّ هُمْ».

استدلال‌های عقلی داشته باشیم و در پاسخ به شبهات دختران، بیشتر از روش‌های عاطفی استفاده کنیم (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳). در تعامل با فرزندان باید تلاش کرد صحبت درباره اعضای بدن - اعم از سر، دست، پا و آلت تناسلی - با او همراه احساس گناه، شرمساری و خجالت نباشد. ملاک‌های تعریف دختر یا پسر خوب و ویژگی‌های پدر و مادر خوب را از او پرسید و از او خواست در خانه حداقل ماهی یک بار درباره خصوصیات بچه‌های خوب و بد سخنرانی کند و او را تشویق کرد تا سؤالات مختلف خود را درباره جنسیت و رفتارهای جنسیتی از والدین یا افراد قابل اطمینان خانواده بپرسد (صدری مارزندانی، ۱۳۹۷ ص ۴۰۲).

۳-۱. روش نقل داستان، تاریخ و سرگذشت‌ها

یکی از روش‌هایی که در ساحت بینشی می‌توان از آن در کسب معرفت و بینش‌متری بهره برد، بیان داستان و سرگذشت گذشتگان است. داستان‌سرایی، روش پر جاذبه‌ای است که به وسیله آن می‌توان حقایق و واقعیت‌های زندگی را به زیبایی تمام ترسیم کرد (بخشنده‌بالی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). این شیوه به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان بسیار جذاب و مفید (محمدی، ۱۳۸۷) و یکی از مناسب‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم و شکل‌گیری شخصیت جنسیتی آنان است؛ چنانکه این روش در قرآن کریم، تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های آسمانی برای هدایت و القای مفاهیم و پیام‌های دینی مورد توجه قرار گرفته (فتوحی و موسوی‌نسب، ۱۳۹۴) و به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان شده است. برای مثال در داستان حضرت آدم علیه السلام حقیقت و چگونگی آفرینش الهی و ویژگی‌های جنسیتی تفسیر و در داستان حضرت یوسف علیه السلام و در سوره نور کیفیت برخی مراقبت‌های جنسیتی بیان شده است. بنابراین والدین در انتقال مفاهیم جنسیتی به کودک و نوجوان می‌توانند با استفاده از این روش، مفاهیم دین اسلام همچون ویژگی‌ها، وظایف، آثار و ... را در قالب داستان‌های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی کودک و نوجوان بیان کنند.

یکی دیگر از دستاوردهای ارزنده مطالعه تاریخ، تقویت حس ویژگی‌های مردانگی و زنانگی به‌ویژه برای نسل جوان است که در حال تکوین شخصیت فردی و اجتماعی خود هستند. برای مثال معرفی الگوهای زنانه که با رعایت عفت و پوشش در گفتار و کردار و با

حفظ ویژگی‌های جنسیتی زنانه توانسته‌اند در عرصه‌های تاریخ، تحولات عظیمی را ایجاد کنند؛ مانند نقش مادری و همسری و دختری حضرت زهرا علیها السلام، سخنرانی ایشان در میان مهاجرین و انصار در دفاع از حریم ولایت و یا سخنرانی‌ها و افشاگری‌های آتشین حضرت زینب کبری علیها السلام در مجلس یزید و احیای واقعه عظیم کربلا. در دوران معاصر نیز بانوانی همچون بانو امین اصفهانی که با وجود نقش مادری و همسری و با حفظ حیا و وقار توانسته‌اند به عنوان شخصیت‌های علمی برجسته در عرصه‌های جهانی نقش آفرینی کنند. این روش درباره پسران برای شکوفایی ویژگی‌های جنسیتی مردانه مانند غیرت، شجاعت، صلابت و ... کاربرد دارد که نمونه‌های بسیاری نیز در آموزه‌های اسلامی، قصه‌ها و افسانه‌های کهن و جدید از پهلوانان و جنگاوران مانند شجاعت‌ها و دلوری‌های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در احیای دین، داستان شهدای کربلا، قصه‌های شاهنامه، قصه‌های دفاع مقدس و ... نقل شده است و نقل آن با بیانی حماسی و یا خرید کتاب و یا تماشای فیلم و خرید عکس و پوستر می‌تواند این روحیه را در کودک نهادینه نماید.

۲. روش‌های گرایشی

اگر آموزش و تربیت جنسیتی همراه با تقویت حس زنانگی و مردانگی نباشد، نه تنها به تقویت تمایلات فطری کمکی نمی‌کند؛ بلکه خود مانع و حجاب بزرگی در برابر این تمایل خودانگیخته ایجاد می‌کند. در واقع آموزش اینکه فرد چگونه به حقیقت و شناخت ویژگی‌های جنسیتی دست یابد، مهم‌تر از آموزش اطلاعات جنسیتی اوست. هنر یک مربی موفق در پرورش حس متربی این است که شوق، کنجکاوی و حس حقیقت‌جویی او را افزایش دهد و به او فرصت کشف طبیعت و فطرت خود به دست خودش را بدهد (کریمی، ۱۳۹۰). از این رو با توجه به تأثیر عواطف و احساسات در هدایت کودک و نوجوان به سوی اهداف و آرمان‌های پرورشی جامعه و در نتیجه جهت‌یابی وی به درک معنوی و انسانی، باید کوشید از روش‌های صحیح در این راه برای پایبندی به ارزش‌های نقش جنسیتی در نهاد فرزند استفاده کرد. در این بخش برخی از روش‌های گرایشی در این زمینه بیان شده است.

۱-۲. الگودهی

الگو، نمونه عینی و مشهود یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون است که دیگران برای رسیدن به کمال از آن پیروی می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۷). منظور از الگودهی، فراهم‌سازی زمینه برای متربی است؛ بدین ترتیب که متربی با مشاهده الگو برای همانندسازی با او تحریک شود و برای انجام عمل مشابه - مطابق آنچه رؤیت کرده است - اقدام کند. بنابراین هر جایی که به خاطر مشاهده حالت تبعیت در وجود آدمی ایجاد شود، الگوبرداری و اسوه‌پذیری مطرح است (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۶۲).

روند الگوبرداری از خانواده شروع می‌شود و پدر و مادر، نخستین الگوی کودک هستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹). نگرش‌ها و الگوهای رفتاری که کودکان در جریان رشد خود فرا می‌گیرند، شبیه نگرش‌ها و الگوهای رفتاری والدین آن‌هاست (اتکینسون^۱ و دیگران، ۱۴۰۱). در این الگوی رفتاری، پایبندی به ارزش‌ها از طریق «یادگیری»، «مشروعیت بخشی» و تقلید» در فرزندان نهادینه می‌شود (صانعی، ۱۳۴۴). بدیهی است برای اینکه رفتار الگو قابلیت لازم برای تأثیرگذاری داشته باشد، باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد. شرط اساسی در این اثرگذاری، برخورداری والدین از شخصیت مطلوب و پایبندی به ارزش‌هاست (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۲)؛ چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۵۱).

والدین باید در مسیر دستیابی به کمالات انسانی با تأسی از الگوهای الهی، شاخصی مناسب برای فرزندان خود باشند (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۲). اگر پدر و مادر در خانواده به نقش الگویی خود توجه داشته باشند، در تنظیم روابط خویش با فرزندان همت گمارند و تقید به اصول اخلاقی و انسانی و مذهبی را پیشه خود سازند (نقی‌زاده شکبیا، ۱۳۷۵)، بی تردید احساس ارزشمند پایبندی به نقش‌های جنسیتی را به فرزندان خود تقدیم کرده‌اند. این الگودهی والدین، کودک و نوجوان را به سوی اهداف و آرمان‌های دینی هدایت خواهد کرد

1. Atkinson

۲. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ».

که جهت یابی وی به درک هویت صحیح و انسانی را آسان می‌کند. رعایت برخی نکات اساسی در روش الگودهی در تربیت جنسی حائز اهمیت است که عبارتند از:

۱-۱-۲. رعایت همسانی در نقش الگویی

یکی از ویژگی‌های کودک، گرایش به همانندشدن است. او به طور معمول تمام رفتارهای والدین را بدون اراده تقلید و الگوبرداری می‌کند و صفات اجتماعی خود را با دیدن رفتارهای والدین می‌آموزد (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵۹). بی‌گمان در این همانندسازی، رعایت همسانی در نقش الگویی در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی فرزند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند از سنین تشخیص و تفکیک یعنی حدود ۶ سالگی، پسران از پدران و دختران از مادران به طور ناآگاهانه تقلید می‌کنند (قائم، ۱۳۹۴، ص ۱۵۹). تقلید و همانندی برای کودک ضروری است. او پیش از آنکه راه و روش خاصی برای زندگی بیابد، به الگویی نیاز دارد تا شخصیت خود را نمایش دهد و والدین، مناسب‌ترین فرد هستند. نقش مادر به‌ویژه در هفت سال اول زندگی بسیار مهم است؛ زیرا کودک همواره در کنار مادر است. دختران از مادران الگو می‌گیرند و می‌فهمند چگونه یک زن می‌تواند با دیگران ارتباط داشته باشد و گذشت و ایثار کند. او گرمی و صفای زندگی و عواطف عالی در عشق و ایثار را از مادر خود می‌آموزد، از او درس اعتماد به نفس، اخلاق و انسانیت می‌گیرد و شهامت و جرئت در نهادش پدید می‌آید (قائم، ۱۳۸۷، ص ۷۴). انتخاب نوع پوشش و حجاب، ارتباط با محرم و نامحرم، چگونگی شرکت در مجالس، نوع آداب معاشرت و برخوردها و ادب در سخن و گفتار، وظایف یک زن در برابر فعالیت‌های درون خانه مانند آشپزی، نظم و نظافت منزل، رفتار با پدر و با دیگر فرزندان و ... از جمله مسائلی هستند که کودک به‌ویژه دختران آن‌ها را به دقت زیر نظر دارد و با آن همانندسازی می‌کند. بنابراین مادر باید به‌گونه‌ای عمل کند که کودک دید مثبتی نسبت به او داشته باشد. دختران کوچک بیش از هر چیز به فکر زندگی آینده و محیط آرام زندگی هستند. آنان به‌گونه‌ای ناخودآگاه، خود را آماده مادری می‌کنند و بی‌گمان تجربه‌ای که مادران به آن‌ها آموخته‌اند، در این راه بسیار مؤثر است (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵۹).

در مقابل پدر در سازندگی و پدید آمدن نقش مردانه و تربیتی خاص پسر سهمی بسزا دارد. بر اساس پژوهش‌ها، کودک از حدود سه سالگی در می‌یابد که پسر است و باید مانند پدر شود. بر این پایه می‌کوشد که رفتار خود را شبیه پدر و رفتار و کردارش را تقلید کند. کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری اثر می‌پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه اطرافیان به‌گونه‌ای در او اثر می‌گذارند و مدل و الگوی کودک هستند، ولی پدر از همه آن‌ها مهم‌تر و مؤثرتر است و این اهمیت و تأثیر در پسرها تا سنین نوجوانی هم چنان تداوم دارد. رفتار پدر در سنین خردسالی فرزند، برای او همه چیز است. پسران می‌کوشند با پدر همانندسازی کنند. گستردگی این امر از نظر روان‌شناسان تربیتی تا آنجاست که برخی از آن‌ها رفتار پسران را انعکاسی از رفتار پدران دانسته‌اند. به‌کارگیری وسایل و ابزار، چگونگی استدلال پدر، رفتار پدر با مادر و دیگر اعضای خانواده و رفتارهای دیگر پدر می‌تواند برای پسر الگو باشد. فرزندان پسر در خانواده‌های پدرسالار می‌آموزند که بر فرزندان کوچک‌تر و خواهران خود اعمال قدرت کنند. برای اینکه پسر بتواند سالم و معتدل احساس مردانگی کند، به محبت پدر و احساس تفاهم و رابطه دوجانبه با او نیازمند است (قائمی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۶). بر این اساس وظیفه پدر و مسئولیت او بسیار سنگین خواهد بود. پدر باید با عمل خود به فرزندش به‌ویژه پسر فرصت دهد تا از اخلاق و رفتار او بهره‌مند شود (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۴۸). پدر باید از میل پسر برای تقلید از او در طرز راه رفتن، صحبت کردن و لباس پوشیدن استقبال و نباید این تقلیدها را تمسخر کند؛ بلکه باید او را تشویق کند. تقلید از گفتار و رفتار ممکن است به تقلید از علایق و ارزش‌ها بینجامد. پدر در برخوردهای صمیمانه‌اش با پسر، به او می‌فهماند که معنا و مفهوم مرد در خانواده و جامعه چیست. کودکان با دیدن مهارت‌ها، تلاش‌ها و از خودگذشتگی‌های پدر در موقعیت‌های بیرون از خانه، احساس غرور و افتخار بیشتری می‌کنند (گینات، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴). بنابراین باید پسران را به پدران و دختران را به مادران واگذار کرد؛ زیرا عدم رعایت این اصل در بزرگسالی فرزند، بر او تأثیرات منفی می‌گذارد و در عدم موفقیت او بی‌تأثیر نیست آن هم در شرایطی که این قانون دائمی و در تمام امور فراگیر نیست؛ بلکه رابطه عاطفی در حد نیاز ضروری است (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۳۹۲).

۲-۱-۲. پرهیز از رفتارهای مخالف جنسیت

استفاده والدین از پوشش و آرایش جنس مخالف یا تشویق فرزندان به انجام رفتارهای جنس مخالف در کودکی مانند پوشیدن لباس دخترانه بر پسر بچه‌ها، بلند گذاشتن مو و تزیین آن با گل سر، استفاده از اسامی دختران و نیز پرورش دختران با خصلت پسرانه، خلق و خوی مردانه را در وجود آن‌ها تقویت و ظرافت و لطافت و حساسیت دخترانه را از او سلب می‌کنند. کودکی که با چنین وضعیتی پرورش می‌یابد، در سن نوجوانی که قدرت تشخیص خوب و بد در او به وجود آمده است، نسبت به جنسیت خود مخالفت نشان می‌دهد که از آن با عنوان مشکل نارضایتی جنسی یاد می‌شود. برای مثال پسرانی که موی بلند و آرایش دخترانه دارند و یا دخترانی که موهای خود را به شکل پسران کوتاه می‌کنند، کفش پسرانه می‌پوشند و به فوتبال و بازی‌های پسرانه علاقه دارند. والدینی که دچار مشکل اختلال هویت جنسیتی هستند، آن را به فرزند خود منتقل می‌کنند و عاملی در از دست دادن هویت جنسیتی فرزندان خود می‌گردند (همان).

با توجه به دیدگاه کنش متقابل نمادین و نظریه مید، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران به او دارند. بنابراین اگر خانواده به شیوه نامناسب با فرد برخورد کند و از فرد انتظار انجام نقش‌های جنسیتی جنس مخالف را داشته باشد و از لباس و آرایش جنس مخالف برای او استفاده کند، این نگرش در او ایجاد می‌شود که از جنس مخالف است و برخلاف جنسش، نقش جنسیتی نامناسب را انجام می‌دهد (یزدان پناه و صمدیان، ۱۳۹۰). زیگموند فروید معتقد بود که مشکلات هویت جنسی، ناشی از تعارضاتی است که کودک در مثلث ادیپی تجربه می‌کند و این تعارضات بر اثر رویدادهای واقعی خانواده و تخیلات کودک تقویت می‌شوند. هر چیزی که در محبت کودک نسبت به والد مخالف و هماهنگ‌سازی با والد همجنس مداخله کند، در پیدایش هویت جنسی طبیعی مشکل ایجاد می‌کند. کیفیت روابط مادر-کودک در نخستین سال‌های زندگی در برقراری هویت جنسی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در خلال این دوره، مادرها به طور طبیعی کودکان را از هویت جنسی خود آگاه می‌کنند و موجب می‌شوند که

آن‌ها نیز به جنسیت خود افتخار کنند؛ برای مثال به کودک به عنوان دختر یا پسر کوچک بها داده می‌شود، ولی مادر خشن و تحقیرکننده می‌تواند در رشد هویت جنسیتی کودک اختلال ایجاد کند. در این دوران فرایند جدایی از هویت جنسی قبلی و فردگروی نیز در جریان است. وقتی مشکلات جنسیتی با مشکلات جدایی و فردگروی همراه شود، ممکن است از تمایلات جنسی برای باقی ماندن در روابطی استفاده شود که میان صمیمیت کودکانه از روی ناچاری و فاصله گرفتن خصمانه و بی‌ارزش‌کننده در نوسان است. در چنین شرایطی برخی کودکان با این پیام مواجه می‌شوند که اگر هویت جنس مقابل را داشتند، از ارزش بیشتری برخوردار بودند. کودکان طردشده و آزاردیده ممکن است بر اساس چنین باوری عمل کنند (رابرت، مارسیا و پدرو، ۱۴۰۱، ص ۲۷۵).

۳-۱-۲. معرفی الگوهای مناسب

والدین افزون بر اینکه باید الگوهای مناسبی برای فرزندان باشند، باید در تشخیص فضیلت‌ها و کمال‌ها و مصادیق آن یاری رسانند تا در دام مدها و الگوهای نامناسب گرفتار نشوند (خدامیان آرانی و محمودی، ۱۳۹۴)؛ بلکه پیش از اینکه کودک و نوجوان الگوی نامناسبی را برگزیند، الگوهای مناسب را در مسیر رسیدن و شکوفایی فطرت فراروی آنان قرار دهند (بخشنده‌بالی، ۱۳۸۵، ص ۴۶). بدین منظور باید شخصیت‌های بزرگ دینی همچون معصومین علیهم‌السلام، دانشمندان، شهدا و ... را به فرزندان خود معرفی کنند تا فرزندان شان با این قله‌های انسانیت آشنا شوند (پیروزفر و حسینی محمدآباد، ۱۳۹۵).

توجه به الگوهای کامل موجب می‌شود انسان، هدف و راه اتصاف به صفات و کمالات را فراموش نکند و پیوسته در این مسیر گام بردارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۷)؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مؤمنان را به پیروی از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مثابه بهترین الگوی هدایت‌مند سفارش کرده است: «به اهل بیت پیامبرتان بنگرید. از آن سو که گام بر می‌دارند، بروید. قدم جای قدم‌شان بگذارید. آن‌ها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید. از

آن‌ها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌شوید»^۱ (شریف‌الرضی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵، خطبه ۹۷).

بنابراین والدین باید برای اثربخش‌تر بودن نقش‌الگویی، افزون بر اینکه خود از الگوهای هدایت‌مند بهره‌مند می‌شوند؛ کودک و نوجوان خود را نیز که بسیاری از قابلیت‌ها و توانایی‌ها در آن‌ها ناشکفته است و برای پوییدن راه زندگی و درک خود و باید‌ها و نبایدها، نیازمند آگاهی‌های بی‌شماری هستند، در این مسیر راهنمایی کنند تا از این طریق زمینه سعادت دنیوی و اخروی و رسیدن به حیات طیبه جاوید را در زندگی فرزندان فراهم کنند.

۲-۲. تکریم

کرامت در لغت به معنای شرافت، خوی و کردار ستوده آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۸). در اصطلاح نیز به معنای نزاهت از فرومایگی، یعنی روح بزرگواری و منزه از پستی است (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۲۱). یکی از روش‌هایی که در نظام تربیتی نبوی می‌توان از آن در شناخت جایگاه حقیقی انسان استفاده کرد، تکریم مخاطب است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام بی‌توجهی به شناخت خویشتن را عامل نابودی و هلاکت انسان دانسته و فرموده است: «نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست»^۲ (شریف‌الرضی، ۱۳۹۷، ص ۵۳۰، حکمت ۱۴۹). خانواده، عاملی مهم در شکوفاسازی کرامت فرزندان در این راستاست (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸). مسئله کرامت فرزندان از سوی والدین، به دوره خاصی محدود نمی‌شود و از حقوقی است که از کودکی شروع شده است و در تمام دوران رشد او ادامه دارد (رحمان‌نیا و فقیهی، ۱۳۹۴). تکریم به معنای احترام گذاشتن به کودک و نوجوان و ارزش قائل شدن برای اوست. به عبارتی باید شخصیت او محترم شمرده شود؛ زیرا در این صورت است که فرزند به احساس خودارزشمندی دست می‌یابد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵). یکی از مهم‌ترین روش‌ها در پرورش کرامت فرزندان، محبت است. محبت، تأثیر فراوانی در تعالی روح فرزند

۱. «انظروا أهل بیت نبیکم، فالزمو سمتهم و اتبعوا أثرهم، فلن یخرجوکم من هدی و لن یعیدوکم فی ردی؛ فان لبدا و فالبدا و ان یهضوا فانهم یهضوا، و لا تسبقوهم فتصلوا و لا تتأخروا عنهم فتهلکوا».

۲. «هَلْكَ امْرُؤٌ لَمْ یَعْرِفْ قَدْرَهُ».

در محیط خانواده دارد. محبت، احساس پاک کودک را شکوفا می‌کند و به او اجازه می‌دهد با روحیه‌ای شاد و روانی آرام، استعداد های نهفته خویش را نمایان کند (امینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۹۳). توجه به این مهم به‌ویژه نسبت به دختران به دلیل برخورداری از روحیه عاطفی، در رشد عاطفی کودک و سازندگی او بسیار مؤثر است و او را به فردی شایسته و مادری مهربان تبدیل خواهد کرد. بررسی‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که ریشه و منشأ بسیاری از انحراف‌ها و لغزش‌های افراد، احساس نارسایی و کمبود محبت است. والدین باید دختران خود را درک و به آن‌ها محبت کنند تا آن‌ها نیز احساس کنند که پناهگاه محکمی دارند. دختری که احساس بی‌پناهی کند و از محبت کافی بهره‌مند نباشد، در جست‌وجوی پناهگاه و محبت به بیرون خانه روی می‌آورد و دچار لغزش و انحراف می‌شود (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۵۰). از این رو ابراز محبت در اشکال مختلف آن همچون نوازش، بوسیدن، در آغوش کشیدن، دلجویی، تهیه هدیه به مناسبت‌های مختلف و ... ضروری است؛ چنانکه امام رضا علیه السلام فرموده است: «خداوند تبارک و تعالی بر دختران و زنان مهربانی بیشتری دارد تا پسران و هیچ مردی نیست که دختران و زنانی را که با او نسبت دارند، شاد کند؛ مگر اینکه خداوند روز قیامت او را شاد خواهد کرد»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۰۴).

اگر چه در سنین نوجوانی و بلوغ فرزند به او محبت می‌شود، اما باید مراقبت‌هایی نیز در این زمینه اعمال شود. برای مثال روایات اسلامی بر این نکته اهتمام دارد که پدر حق ندارد دختر نوجوان خود را در آغوش گیرد یا او را بر روی زانویش بنشاند. این امر ممکن است برای یکی از آن‌ها خالصانه و بی‌شائبه و برای دیگری تحریک‌آمیز باشد (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۵۰). یکی دیگر از روش‌های ایجاد تکریم، پرهیز از تحقیر فرزند و تبعیض میان آنان است. ایجاد حقارت، انسان را از اعتلای روحی باز می‌دارد و به پستی می‌کشانند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳). برای مثال تبعیض میان دختر و پسر به دلیل اعتقاداتی که برخی افراد نسبت به جایگاه مردان نسبت به زنان دارند، در شکل‌گیری شخصیت جنسیتی فرزندان نقش بسزایی دارد. دختران و پسران باید به‌گونه‌ای تربیت شوند که هر یک از آنان به نقش جنسیتی خود

۱. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنْسَانِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ تَبِيَنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةٌ إِلَّا فَزَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

مباهات و به دختر و پسر بودن خود افتخار کنند. بنابراین با توجه به کرامت ذاتی انسان، والدین باید توجه داشته باشند که همیشه فرزند را فارغ از نوع جنسیت، مکرم و عزیز بدانند، عزت نفس او را خدشه دار نکنند و با پرهیز از تحقیر و ابراز توانایی‌ها و محبت، نقش‌های جنسیتی را با توجه به ویژگی‌های جنسیتی در آنان ایجاد کنند.

۳. روش‌های کنشی

پس از تثبیت هویت و شناخت جنسیتی در بینش و گرایش، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان‌ها و هدف‌های دین شکل می‌گیرد. عمل به ارزش‌ها و باورهای جنسیتی، مهم‌ترین چیزی است که می‌تواند چرخه تربیت جنسیتی را تکمیل کند. در غیر این صورت ارزش‌ها و باورها به موضوعاتی ذهنی و انتزاعی و ایده‌آلیستی تبدیل می‌شود که در زندگی واقعی حضور ندارد؛ از این رو نمی‌تواند در شخصیت و نقش‌های جنسیتی فرد تأثیر بگذارد. در این قسمت به اجمال برخی از مهم‌ترین روش‌های رفتاری که در تثبیت نقش جنسیتی سالم در کودک و نوجوان نقش دارد، بیان می‌شود.

۱- ۳. مسئولیت دادن

یکی از پیامدهای تکوین شخصیت جنسیتی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای جنسیتی است. مسئولیت دادن، یکی از روش‌هایی است که می‌توان در دستیابی به این مهم از آن بهره جست. ریشه مسئولیت انسان به نعمت‌ها و سرمایه‌های وجودی که خداوند در وجود بشر نهاده است، بر می‌گردد (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶) که در تفاسیر از آن به عنوان امانت الهی یا همان تعهد یاد شده است. انسان، امانت‌دار بزرگ الهی است و به برکت حس مسئولیت می‌تواند از چنگال زمین‌رها شود و به عالم بالا پرواز کند (فضل‌الهی، ۱۳۹۴). جهان بینی توحیدی، تنها جهان بینی‌ای است که در آن تعهد و مسئولیت افراد در برابر یکدیگر مفهوم و معنی پیدا می‌کند؛ چنانکه تنها جهان بینی‌ای است که آدمی را از سقوط در دژه هولناک پوچ‌گرایی نجات می‌دهد (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۵)؛ از این رو به عنوان برنامه جامع زندگی با افزایش مسئولیت‌پذیری انسان، زمینه را برای پایبندی انسان‌ها به ارزش‌ها مهیا می‌کند.

افراد مسئولیت‌پذیر، کسانی هستند که آموزه‌های دینی را در زندگی به کار می‌بندند، آن‌ها را عیناً در رفتار و اعمال خویش نهادینه می‌کنند و با پذیرش عواقب هر عملی خود را مستحق نظام پاداش و عقوبت بر اساس اعمال می‌دانند (فضل‌الهی، ۱۳۹۴).

بدین منظور باید عظمت، توانمندی‌ها و محدودیت‌های انسان شناخته شود و ملاک‌های مسئولیت با نیروی فکر و اندیشه و مشورت، ارزیابی و سنجیده و انتخاب شود (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰). در این زمینه اهمیت خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد متولی تعهد دینی فرزندان بر کسی پوشیده نیست (نوریخس و اویسی فردویی، ۱۳۹۵). جوّ خانوادگی و فضای حاکم بر روابط والدین و فرزندان، یکی از مهم‌ترین عواملی است که نقش بسزایی در پرورش این احساس در فرزندان دارد (سبحانی جو، ۱۳۸۴). والدین می‌توانند از طریق به کار بستن الگوی رفتاری صحیح، راه‌اندازی گام به گام کودک و نوجوان در انجام اعمال و وظایف جنسیتی از راه ارائه شناخت تدریجی، سعه صدر و بردباری، استفاده از الگوهای مشاوره در خانواده همراه نقل حکایات دلنشین و خاطرات شیرین با محتوای دینی و بحث و گفتگو با فرزندان در این زمینه و مهیا کردن فضایی با مشارکت فعال فرزندان، مسئولیت‌پذیری را در کودک و نوجوان نهادینه کنند. جدیت، پشتکار و مداومت در این امر و آسان‌گیری اصول در مراحل آغازین پذیرش، جهت‌دهنده و تمرکزکننده نیروهای بالقوه فرزندان در این زمینه هستند (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۵۰).

نکته مهم دیگر توجه به تناسب نوع مسئولیت با تفاوت‌های جنسیتی دختر و پسر است. با توجه به اینکه ترشح هورمون استروژن در زنان، آنان را آماده پذیرش کارهای یکنواخت می‌کند (کارلسون، زیپورین و ایزنستات^۱، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶)، در سپردن برخی فعالیت‌ها به فرزندان، باید ویژگی‌های جنسیتی آنان را در نظر گرفت. با توجه به ویژگی ارتباطی دختران (اسنایدمن و استریپ^۲، ۱۴۰۰، ص ۳۶)، در فعالیت‌های مشارکتی باید برای دختران از الگوهای فردمحور و برای پسران از الگوهای کارگروهی بهره بیشتری گرفت. آموزش مسئولیت از سوی والدین، برجسته‌ترین هدیه‌ای است که می‌توان به فرزندان خود ارزانی داشت. چنین آموزشی این

1. Carlson, Ziporyn & Eisenstat

2. Snaider & Strip

توانایی را به آنان می‌دهد که از خویشتن مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگسالی مسئول، وظایف خویش را بر عهده گیرند.

۲-۳. روش بازی کردن

یکی از مهم‌ترین روش‌ها در شکل‌گیری هویت جنسیتی، استفاده از روش بازی کردن است. بسیاری از پرورش‌ها، ارشادها و آموزش‌ها به صورت غیرمستقیم از طریق بازی به فرزندان منتقل می‌شود. زبان بازی، زبان ساده و راحتی است (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۴) که والدین می‌توانند در دوران خردسالی هنگام بازی و ارتباط با کودک، به تدریج او را با دو جهان متفاوت زن و مرد آشنا کنند و تفاوت‌ها و نقش‌های جنسیتی دختر و پسر را برایشان توضیح دهند تا بدانند چگونه باید عمل کنند و چگونه در برابر مسائل و امور موضع‌گیری نمایند (قائمی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵). در این زمینه نیز استفاده از وسایل و اسباب‌بازی‌ها متناسب با جنسیت و سن فرزند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است مانند آموزش شنا، تیراندازی برای پسران^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۵۱) و بافندگی و ریسندگی برای دختران^۲ (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۴۴).

آموزه‌های اسلامی توجه خاصی به پرهیز از بازی‌های نامتناسب با ساختار جسمی و ویژگی‌های روان‌شناختی خاص دو جنس دارد که از جمله آن می‌توان به نهی از سوار شدن زنان بر زین اشاره کرد که امروزه در غالب دوچرخه‌سواری در مکان‌های عمومی نمود یافته است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است که حضرت از سوار شدن زنان بر زین نهی کرده است^۳ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۶). آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «زین، مرکب نفرین شده‌ای برای زنان است»^۴ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۹۷).

این دو روایت، بانوان را از نشستن بر زین و سوارکاری نهی کرده است. شدت نهی در روایت دوم تا آنجاست که مرتکب این عمل مورد نفرین امام صادق علیه السلام قرار گرفته است.

۱. «عن رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السِّبَاخَةَ وَ الرِّمَاءَةَ».

۲. «خیر هو المرأة المغزل».

۳. امام صادق علیه السلام: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يُرَكَبَ سَرْجٌ يَفْزَجُ».

۴. «السَّرْجُ مَرْكَبٌ مَلْعُونٌ لِلنِّسَاءِ».

آن حضرت ضمن روایت دیگری که علائم آخرالزمان را بیان می‌کند، فرموده است: «(در آن زمان) زنان بر زین‌ها سوار می‌شوند»^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۶۱). با توجه به روایات فوق این سؤال مطرح می‌شود که دوچرخه‌سواری دختران چه تأثیرات منفی در رشد شخصیتی و روانی فرد دارد که این‌گونه مورد مذمت قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی با اشاره به دلیل این نهی فرموده است: «زنان خود را بر زین سوار نکنید که این کار باعث تحریک و تهییج زنان و کشیده شدن آن‌ها به سمت فساد و گناه می‌شود»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۷۸). بنابراین در روایات ائمه معصومین علیهم السلام از سوارکاری زنان به این دلیل که باعث تحریک هیجان و مسائل غریزی آنان و کشیده شدن به سمت فساد و گناه می‌شود، به شدت نهی و مخاطب را به این امر رهنمون شده است که اگر هیجان و غریزه زن تحریک شود، به مراتب می‌تواند بیشتر از هوسرانی و لذت‌جویی مردان آسیب‌زا و وایرانگر باشد. حال اگر پرسیده شود که ارتباط این روایات با مسئله دوچرخه‌سواری بانوان چیست؟ با توجه به تعابیر زین و نشستن بر آن و در نظر گرفتن این نکته که در روایت سوارکاری و نشستن بر زین به طور کلی مد نظر است و امثال آن خصوصیتی ندارد، بنابراین نهی متوجه نشستن بر هر زین است، چه زین اسب و امثال آن از حیوانات و چه زین دوچرخه، موتور سیکلت و امثال آن از وسیله نقلیه؛ به‌ویژه اینکه معمولاً زین حیوانات بزرگ‌تر و پهن‌تر و زین دوچرخه کوچک‌تر و باریک‌تر و میزان تحریک‌کنندگی در آن بیشتر است (صدری‌مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۰۹). مرور تاریخ نیز گویای آن است که سیره و روش مسلمانان صدر اسلام و تا مدت‌ها پس از آن نیز چنین بوده است که زن‌ها در مسافرت‌ها و جابه‌جایی‌ها بر کجاوه سوار می‌شدند، نه بر زین حیوانات. بر اساس روایتی که محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند، اولین زنی که در اسلام بر زین نشست؛ عایشه بود که بعد از شهادت امام حسن علیه السلام سوار بر قاطری از منزل خارج شد و مردم را تحریک کرد تا نگذارند حضرت در کنار قبر شریف جدش دفن شود^۳

۱. «قال رسول الله ﷺ: سيكون في آخر أمتي رجال، يركب نساؤهم على سروج كأشباه الرجال يركبون على الميائير حتى يأتوا أبواب المساجد...».

۲. «لا تحمِلُوا النُّرُوجَ عَلَى السُّرُوجِ فَتَهَيَّجُوهُنَّ لِلْفُجُورِ».

۳. «قال سمعتُ أبا جعفرٍ علیه السلام يقول: لما حضرت الحسن علیه السلام الوفاة إلى أن قال فخرجت عائشة مُبَادِرَةً على بغلي مُسْرَجٍ فكانت أول امرأة ركبت في الإسلام سرجاً الحديت».

(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۹۷). بنابراین اسلام و آموزه‌های ارزشمند آن، عفت و حیا را برای زن می‌پسندد و از هر چه که موجب لطمه به آن شود، نهی کرده است؛ به‌ویژه که توانمندی زنان در شهوات و لذت‌جویی بسیار بیشتر از مردان است^۱ (همان، ج ۲۰، ص ۶۳). یکی از اموری که زمینه این پرده‌داری را فراهم می‌کند، دوچرخه‌سواری دختران است. با توجه به ساختار و فیزیک خانم‌ها، وقتی دختران به‌ویژه دختر بچه‌ها بر زین دوچرخه سوار می‌شوند، زمینه بروز مشکلات غریزی مانند لذت بردن از کشیدن بدن بر زین و در پی آن تمایل به خودارضایی در سنین بعدی پدید می‌آید؛ پدیده‌ای نامطلوب و گناه بزرگی که متأسفانه روز به روز در میان دختران شایع‌تر می‌شود. شاید یکی از مصادیق فساد و فجوری که در روایت امام علی علیه السلام به آن اشاره شده است، همین باشد. افزون بر پیامدهای فردی دوچرخه‌سواری دختران، نباید از پیامدهای زیانبار آن در عرصه اجتماع و تهدید امنیت اخلاقی و عفت عمومی جامعه غافل ماند. این رفتار به‌ویژه از سوی دختران نوجوان و جوان در پارک‌ها و کوچه و خیابان‌ها با توجه به حالت نشستن بر روی دوچرخه و نوع پوشش‌شان، غالباً موجب تحریک نوجوانان و جوانان می‌شود که در آستانه یا اوج بیداری غریزی و تحریک‌پذیری قرار دارند و نتیجه آن، آزارهای کلامی و سوءاستفاده‌های جسمی است که متوجه دختران می‌شود (صدری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۰۹).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی روش‌های تربیت جنسیتی اسلامی با تأکید بر نقش خانواده بود. بررسی آموزه‌های دینی نشان داد که توجه به وجود تفاوت‌هایی جنسیتی و به رسمیت شناختن صفات متمایز دختر و پسر در راستای تربیت دینی کودک و نوجوان، مورد تأکید جدی این آموزه‌هاست؛ به‌گونه‌ای که گویا تربیت افراد بدون توجه به جنبه‌های متمایز جنسی، تربیتی آسیب‌زا و ناقص است؛ زیرا تربیت زمانی اثربخش خواهد بود که در آن تأثیر عوامل مختلف از جمله تفاوت‌های جنسی در نظر گرفته شود. از آنجایی که به طور

۱. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءَ فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ وَ جُزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ وَ لَوْلَا مَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِنَّ مِنَ الْحَيَاءِ عَلَى قَدْرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعٌ نِسْوَةٌ مُتَعَلِّقَاتٌ بِهِ».

معمول رشد و پرورش فرزندان در محیط خانواده و زیر نظر والدین به عنوان اولین مسئولین عرصه تربیت صورت می‌گیرد، برخی از مهم‌ترین روش‌های مؤثر در تربیت جنسیتی کودک و نوجوان همسو با ابعاد وجودی انسان در زمینه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری با تأکید بر نقش والدین تبیین شد که عبارت بودند از: اعطای بینش، پرسش و پاسخ، نقل داستان، الگودهی و تکریم، مسئولیت دادن و بازی کردن.

استفاده و کاربست روش‌های متمایز تربیت جنسیتی افزون بر پرورش صفات جنسیتی، می‌تواند در نهادینه‌سازی و تثبیت ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی نیز اثرگذار باشد و از سویی دیگر بنیان خانواده را بیمه کند؛ زیرا پرورش دختری که از ویژگی‌ها و صفات زنانگی خود لذت و از آن برای رشد و تعالی خود و خانواده و تربیت کودکان در دامن مادری شایسته بهره می‌برد و پسری نیز که با شکوفایی صفات مردانه به ایفای نقش مردانگی، همسری و پدری حمایتگر و مهربان می‌پردازد، همچون سدی محکم و نفوذناپذیر است که افزون بر تأمین امنیت و برآوردن نیازهای اعضای خانواده، از همه‌ها و طوفان‌های آسیب‌زا به این نهاد مقدس نیز جلوگیری می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

فارسی

۱. ابراهیمی، جواد، (۱۳۹۰)، «بررسی روش الگویی: رویکرد دینی و روان‌شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۲. اتکینسون، ری‌تال و دیگران، (۱۴۰۱ ش)، زمینه روان‌شناسی هیلدگارد، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران: رشد.
۳. احسانی، محمد، (۱۳۷۸)، «تربیت دینی خانواده»، ماهنامه علمی-ترویجی معرفت، ش ۳۲، ص ۳۴-۲۵.
۴. اسنایدن، نانس و پگ استریپ، (۱۴۰۰ ش)، کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، ترجمه اکرم کرمی، تهران: صابرین.
۵. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۱ ش)، فقه تربیتی (مبانی و پیش‌فرض‌ها)، قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۶. افروز، غلام‌علی، (۱۳۸۰)، «خانواده بستر شکفتن»، ماهنامه دادرسی، ش ۲۹، ص ۷۲-۶۸.
۷. امیری، منیره، آناهیتا خدابخشی کولایی و ذبیح بیروانی، (۱۳۹۵)، «تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش در دین و سلامت، ش ۳، ص ۴۳-۳۴.
۸. امینی، ابراهیم، (۱۳۹۶ ش)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۹. باقری، خسرو، (۱۴۰۱ ش)، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مدرسه برهان.
۱۰. بخشنده‌بالی، عباس، (۱۳۸۵ ش)، بررسی مراحل شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۱. بنجامین، جنی، (۱۳۷۹)، «دختران و پسران و تفاوت‌های واقعی»، ترجمه زهره ملکی، ماهنامه آموزشی-تربیتی پیوند، ش ۲۵۲، ص ۵۳-۴۸.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران: دنیای دانش.
۱۳. پورکریم‌هاوشکی، مجتبی و آریان نادر بیگدیلو، (۱۳۹۲)، «اصول و روش‌های تربیت اسلامی با تأکید بر سوره کهف»، فصلنامه علمی-ترویجی سراج منیر، ش ۱۱، ص ۱۴۴-۱۱۱.
۱۴. پیروزفر، سهیلا و سید علی اصغر حسینی محمدآباد، (۱۳۹۵)، «نقش خانواده در تکوین هویت فردی فرزندان با تأکید بر آموزه‌های دینی»، دوفصلنامه علمی-ترویجی پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۴، ص ۹۳-۷۱.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۳ ش)، کرامت در قرآن، تهران: رجاء.
۱۶. خدامیان آرنی، علی‌اکبر و عباس محمودی، (۱۳۹۴)، «روش‌های تربیتی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه»، فصلنامه علوم و معارف قرآن و حدیث، ش ۲، ص ۷۳-۱۲.
۱۷. خیاط، خالد، (۱۳۸۶)، «نقش والدین در درک متقابل و تفاهم با نوجوانان»، ماهنامه آموزشی-تربیتی پیوند، ش ۲۳ و ۲۳۱، ص ۶۴-۵۹.
۱۸. دلشاد‌تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۳ ش)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا.
۱۹. _____، (۱۳۹۴ ش)، ماه مهرپرور تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا.

۲۰. رابرت، بولاند، ال. وردوین مارسیا و روئیز پدرو، (۱۴۰۱ ش)، خلاصه روان‌پزشکی کاپلان و سادوک، ترجمه فرزین رضاعی و دیگران، تهران: ارجمند.
۲۱. رحمان‌نیا، حسن و سید احمد فقیهی، (۱۳۹۴)، «نقش خانواده و مدرسه در پرورش ارزش کرامت اخلاقی»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۲۱۵، ص ۱۲۲ - ۱۰۷.
۲۲. روزنتال، سارا، (۱۳۹۱ ش)، زن و افسردگی، ترجمه نویدا هادیان، تهران: ویژه نشر.
۲۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۷ ش)، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، قم: هاجر.
۲۴. سبحانی‌جو، حیات‌علی، (۱۳۸۴)، «خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت‌های اجتماعی»، ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، ش ۳۱۵، ص ۱۲ - ۱.
۲۵. سندی، فاطمه، (۱۳۸۹)، «رابطه شیوه‌های فرزندپروری با عزت‌نفس و هویت در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی»، پایان‌نامه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، گروه روان‌شناسی عمومی، رشت: دانشگاه گیلان.
۲۶. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ ش)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، اصفهان: محمد و آل محمد علیهم‌السلام.
۲۷. شعبانی، حسن، (۱۳۷۶ ش)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت.
۲۸. صناعی، پرویز، (۱۳۴۴ ش)، قانون و شخصیت، تهران: دانشگاه تهران.
۲۹. صدری‌مازندرانی، حسن، (۱۳۹۷ ش)، تربیت‌نامه (تربیت فرزند): فرهنگ جامع الفبایی و موضوعی تربیت کودک و نوجوان با بیش از ۴۰۰۰ راهکار، قم: مشهور.
۳۰. صفایی‌حائری، علی، (۱۳۸۶ ش)، مسئولیت و سازندگی، قم: لیله‌القدر.
۳۱. عمید، حسن، (۱۳۶۳ ش)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
۳۲. عبوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۰)، «هویت دینی و چالش‌های آن»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی نامه پژوهش، ش ۲۲ و ۲۳، ص ۲۰۸ - ۱۷۹.
۳۳. فتوحی، سید حسین و سید محمدرضا موسوی‌نسب، (۱۳۹۴)، «راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۲۰۹، ص ۱۱۶ - ۱۰۷.
۳۴. فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله، (۱۳۹۴)، «رابطه دین‌باوری و مسئولیت‌پذیری دانشجویان، مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۲۱۲، ص ۴۰ - ۲۹.
۳۵. فقیهی، علی‌نقی و حسن نجفی، (۱۳۹۲)، «عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۱۰، ص ۲۸ - ۵.
۳۶. فقیهی، علی‌نقی، (۱۳۷۵)، «هدف‌های تربیتی در ارتباط با والدین و فرزندان»، ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، ش ۲۰۷، ص ۵۲ - ۴۲.
۳۷. قائمی، علی، (۱۳۸۷ ش)، اسلام و تربیت دختران، تهران: امیری.
۳۸. _____، (۱۳۹۴ ش)، نقش پدر در تربیت، تهران: امیری.
۳۹. قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۰. کارلسون، کارن جی، ترا زیپورین و استفانی ایزنستات، (۱۹۹۷ش)، بهشت روانی زنان، ترجمه خدیجه ابوالعالی، هاییده صابری و ژینوس لطیفی، تهران: ساوالان.
۴۱. کبیری، زینب و حسن معلمی، (۱۳۸۸)، «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبائی»، فصلنامه علمی - ترویجی معرفت اخلاقی، ش ۱، ص ۹۰ - ۷۶.
۴۲. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۹۰)، «آسیب‌های پنهان روش‌های تربیتی»، فصلنامه علمی - ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۱۹، ص ۶۸ - ۴۷.
۴۳. کمیجانی، مهرناز و فرهاد ماهر، (۱۳۸۶)، «مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ش ۳۳، ص ۹۴ - ۶۳.
۴۴. گراگلیا، کاروین، (۱۳۸۵ش)، آرامش در خانه، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه معصومه محمدی، تهران: معارف.
۴۵. گزنت، تونی، (۱۳۹۶ش)، زن بودن (به زنانگی خود تحقق بخشید و عشق را پیدا کنید)، ترجمه فروزان گنجی‌زاده، تهران: ورجاوند.
۴۶. گروهی از نویسندگان، (۱۳۸۴ش)، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۷. گینات، هایم جی، (۱۴۰۱ش)، رابطه بین والدین و کودکان: راه‌حل‌های جدید برای مسائل قدیمی، ترجمه سیاوش سرتیپی، تهران: اطلاعات.
۴۸. لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۹۸ش)، روان‌شناسی رشد ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران: سمت.
۴۹. ماسن، پاول، کیگان هنری، هوستون جروم، کارول آلتا و جان جین کانجر، (۱۴۰۰ش)، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
۵۰. متقی‌فر، غلام‌رضا، (۱۳۸۳)، «هویت و بحران هویت با تأکید بر دوره جوانی»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۸۷، ص ۱۰۱ - ۸۶.
۵۱. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۹۳ش)، حکمت‌نامه کودک، ترجمه عباس پسندیده، قم: دارالحدیث.
۵۲. محمدی، رضا، (۱۳۸۷)، «اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، دوفصلنامه علمی - ترویجی پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۴، ص ۱۵۲ - ۱۱۹.
۵۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱ش)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی، حسام یوسفیان، مجتبی مصباح‌یزدی و محمود فتحعلی، (۱۴۰۱ش)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
۵۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۵ش)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
۵۶. منسکی، ورنر و دیگران، (۱۳۹۳ش)، اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمد حسین وقار، تهران: اطلاعات.
۵۷. مهدی‌زاده، حسین، (۱۳۸۵ش)، الگوشناسی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۵۸. مینوچین، سالوادور و اچ. چارلز فیشمن، (۱۴۰۱ش)، فنون خانواده‌درمانی، ترجمه فرشاد بهاری و فرح سیا، تهران: رشد.

۵۹. نقی زاده شکیبا، اصغر، (۱۳۷۵)، «نقش الگوها در جذب نوجوانان به نماز»، ماهنامه علمی تربیت، ۱۳۷۵، ش ۱، ص ۳۵-۳۰.
۶۰. نوربخش، یونس و قاسم اویسی فردویی، (۱۳۹۵)، «دینداری و الگوی تربیتی خانواده: بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۱، ص ۳۱۴-۲۸۳.
۶۱. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، (۱۴۰۱ ش)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: بهینه.
۶۲. یزدان پناه، لیلا و فاطمه صمدیان، (۱۳۹۰)، «بررسی اختلال هویت جنسیتی (دگرجنس خواهی) با تأکید بر نقش خانواده: مطالعه تطبیقی مراجعه‌کنندگان به سازمان بهزیستی استان کرمان»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اجتماعی ایران، ص ۲۲-۱.

عربی

۶۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبئه‌الله، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
۶۴. بیضون، لیب، (۱۴۱۷ ق)، تصنیف نهج البلاغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعه‌الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۶۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیه.
۶۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۸. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام، (۱۴۱۹ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۹. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه‌السلام، (۱۴۰۰ ق)، مصباح الشریعه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۷۰. نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.